

بررسی تأثیر «نوع نحو فضا» بر «میزان اجتماع‌پذیری» مراکز اجتماعی از منظر فلسفه اخلاقی «رو-در-روی» لویناس

دکتر علی اصغر ملک افزلی*، مهندس ناهید امینی**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۸/۱۹

مکیده

تشدید روزمرگی و کاهش حیات اجتماعی، توجه به بستر مناسب برای حضور طیف وسیعی از گروه‌های مختلف اجتماعی در طراحی فضاهای عمومی را ضروری می‌سازد. هدف تحقیق کشف کیفیات فرمی است که در طراحی مرکز اجتماعی بتواند کیفیت اجتماع‌پذیری فضا را افزایش دهد. برای پرداختن به این هدف، لویناس به‌عنوان فیلسوفی مطرح در حوزه اخلاق در کنار نظریات تخصصی مطرح در معماری و شهرسازی انتخاب شده است. در این راستا، پس از شناسایی مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری و نحو فضا، مبتنی بر موافق و غیر موافق با دیدگاه لویناس سه سناریو مختلف از مؤلفه‌های نحو فضا در محیط مجازی طراحی شد. سپس داده‌ها در سطح ترتیبی از میان گروهی که در سناریوهای مجازی پیمایش کرده‌اند جمع‌آوری و با نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند. نتایج نشان می‌دهد سناریوی دارای کیفیات ارتجال، پیچیدگی، بی‌نظمی و کنترل ناپذیری، ظرفیت بیشتری برای اجتماع‌پذیری موردنظر لویناس در طراحی مرکز اجتماعی دارند.

واژه‌های کلیدی

نحو فضا، اجتماع‌پذیری، مرکز اجتماعی، لویناس.

* استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات).

Email: aamalekafzali@yahoo.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: nahidamini36@yahoo.com

مقدمه

که خود را در تقابل با فلسفه‌ی هوسرل^۳ و هایدگر^۴ توصیف و تعریف می‌کند» (علیا، ۱۳۸۸، ۲۱). لویناس فلسفه‌ی هوسرل را فلسفه‌ی اختیار می‌داند و هنگامی که اختیار توسط آدمی با استفاده از آگاهی تحقق می‌یابد، اختیارش را از نو به دست آورده و در نتیجه «فروکاست پدیدارشناسانه» (همان، ۱۳۸۸، ۳۱) رخ می‌دهد. در فروکاست پدیدار شناختی، جهان یا «غیر» به «من» محض تقلیل می‌یابد و ما را از پذیرش «دیگر» های جهان هستی به مثابه موجود باز می‌دارد. پدیدارشناسی هایدگر نیز در مجرای هستی‌شناسی قرار می‌گیرد که در واقع به صورت مواجهه با خود هستی قرار می‌گیرد و چون مواجهه‌ی انسان‌ها با هستندگان دیگر نیست، در تقابل با پدیدارشناسی لویناس قرار می‌گیرد. از این رو می‌توان گفت لویناس ضعف هوسرل و هایدگر را در یک چیز می‌بیند: هر دو متفکر «غیر» یا «دیگری» را تحت سلطه‌ی «همان»^۵ (دیویس، ۱۳۸۶، ۴۵) قرار می‌دهند که هوسرل آن را «آگاهی» و هایدگر «هستی» می‌خواند. موضع لویناس در این باره چنین است که «من» در برخورد با «دیگری» در معرض تردید قرار می‌گیرد. از آنجا که معرفت و تجربه متعلق به «من» هستند و به وسیله آن‌ها نمی‌توان «غیر» را شناخت، غیریت مورد تردید قرار می‌گیرد به این معنا که از نظر لویناس وقتی فردی با انسانی دیگر روبه‌رو می‌شود، چهره او حالت ناشناخته‌ای را به فرد منتقل می‌کند که نمی‌تواند آن را تحت شناخت و فهم خود درآورد. بدین ترتیب «با دیگران بودن» در فلسفه لویناس به شکل جدیدی مطرح می‌شود که در تقابل با «خودکامگی هستی» قرار می‌گیرد. این در تقابل با خودکامگی هستی منجر به کمرنگ شدن مرزهای خودمحوری جامعه و در نتیجه شکل‌گیری روابط اجتماعی عمیق‌تر و مطبوع‌تری می‌شود که می‌تواند به‌عنوان راهنمای مناسب کیفیات فرمی تحقیق پیش رو در طراحی مراکز اجتماعی قرار بگیرد.

روش پژوهش

راهبرد تحقیق شبه تجربی است. برای گردآوری داده‌ها در سطح ترتیبی، از تکنیک شبیه‌سازی کامپیوتری سه سناریوی فضایی و پرسش‌نامه از گروه مشارکت‌کننده در پیمایش مجازی در این سه شبیه‌سازی بهره گرفته شده است. سناریوها با اتکا بر متغیرهای برآمده از ادبیات نحو فضا و پرسش‌نامه با اتکا بر متغیرهای برآمده از ادبیات اجتماع‌پذیری فضا تهیه شده است. برای تحلیل داده‌های میدانی از آزمون واریانس یک‌طرفه (تشخیص تفاوت) استفاده شده است تا نحوه تأثیر نحو فضا بر اجتماع‌پذیری تحلیل و نتیجه‌گیری شود.

در این راستا پس از بررسی یافته‌های تحقیقات مشابه در این زمینه و تشخیص حفره‌های دانشی مرتبط، جزئیاتی از روند تحقیق مفاهیم

یکی از مشکلات جامعه امروزی دوری اقشار مختلف اجتماعی از یکدیگر و نداشتن تصویری درست از دغدغه‌ها و مشکلات همدیگر است که در پی آن هر فرد درگیر روزمرگی‌های خود شده و نمی‌تواند در رشد و شکوفایی جامعه خود تأثیرگذار باشد. به این ترتیب شکاف‌های اجتماعی، عدم اتحاد و همبستگی بین لایه‌های مختلف اجتماعی به وجود می‌آیند. بنابراین توجه به بستر مناسب برای حضور طیف وسیعی از گروه‌های مختلف اجتماعی و در پی آن رویارویی با مسائل جامعه اهمیت دارد. برای آشنایی با دغدغه‌ها و نیازهای فردی، جمعی و برقراری پیوند جهت رشد و شکوفایی جامعه، لازم است تا به روابط و تعاملات گروه‌های مختلف اجتماعی توجه شود.

برای زیمل^۱ انسان قبل از هر چیز «موجود در رابطه» است. سخن گفتن از جامعه همانا سخن گفتن از رابطه اجتماعی است. جامعه چیزی کارکردی است، چیزی که افراد هم آن را می‌سازند و هم به آن تن در می‌دهند (پوگام، ۱۳۹۵، ۶۰ و ۶۱). در ادبیات معماری و شهرسازی، مجموعه نظریه‌پردازی‌ها دربارهٔ اجتماع‌پذیری فضا، به همین امر فراهم کردن و ایجاد فضایی با امکان برقراری روابط اجتماعی معطوف است. فضاهای اجتماع‌پذیر با مشخصه‌هایی خاص، کیفیت فضایی را برای نزدیک شدن افراد به یکدیگر و برقراری روابط اجتماعی بین آن‌ها ایجاد می‌کند. این فضاها متأثر از عواملی همچون انسان، محیط و عملکرد (نظرپور و همکاران، ۱۳۹۶) یا عامل‌های کالبدی-فضایی و روانی-اجتماعی (صالحی نیا و معماریان، ۱۳۸۸) دانسته شده‌اند.

هدف تحقیق نزدیک شدن به کیفیات طراحی است که لحاظ کردن آن‌ها در مراکز اجتماعی بتواند تعاملاتی متصل به زندگی روزانه را برای طیف بیشتری از جامعه و با حیات اجتماعی بیشتری در رودرو شدن افراد با یکدیگر برقرار کند. برای این منظور از تجربه شرکت‌کنندگان در فضای مجازی به صورت پویانمایی سه سناریو مختلف مبتنی بر اندیشه رو-در-رویی لویناس^۲ و مؤلفه‌های نحو فضا استفاده شد. در نهایت با تحلیل آماری پاسخ شرکت‌کنندگان به پرسشنامه تهیه شده از مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری، نتیجه‌گیری فراهم شد. اندیشه لویناس از این جهت انتخاب شده که حامی اخلاقی است که به نظر می‌رسد می‌تواند راهنمای کیفیات فرمی باشد. این کیفیات علاوه بر فراهم آوردن منافع ضروری در زمینه روابط اجتماعی افراد می‌تواند تبدیل به پروژه‌ای شود که دارای روابط فضایی با محدودیت‌های از پیش تعیین شده نباشد. چون در کانون اندیشه رو-در-رویی لویناس روابط بی‌قیدوشرط (بدون توقع و انتظار) اهمیت یافته و رابطه اخلاقی «فرد» با «دیگری» را در راستای خروج از مرزهای خودمحوری تعریف می‌کند. لویناس «اخلاق پساپدیدارشناسانه‌ای را به تدریج پدید آورد

فضایی یک کمک‌کننده به جنبش شهرنشینی جدید قلمداد می‌شود. مدنی پور (۱۳۸۷) ماهیت فضای شهری را شرح می‌دهد و به هر دو بعد فیزیکی و اجتماعی محیط مصنوع اشاره می‌کند. او مدافع این نظر است که انسان ملاک عمل در طراحی یک فضای معماری قرار گیرد و در تحلیل طراحی شهری و فضا، معنای کلی اعم از تمام ساختمان‌ها، اشیاء و فضاهای محیط شهری و همچنین افراد، رویدادها و روابط میان آن‌ها باید مدنظر قرار گیرد. درنهایت او مطالعه فضای شهری در بستری اجتماعی- مکانی را لازمه طراحی فضای شهری مطلوب عنوان می‌کند. قلمبر دزفولی و نقی زاده (۱۳۹۳) با شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حضور پذیری در فضای شهری با عملکرد بین محله‌ای و تأثیر کالبد و فضا بر میزان مکث و شکل‌گیری تعاملات مردم با بهره‌گیری از متون نظریه‌پردازان در زمینه رابطه فضای شهری و تعاملات اجتماعی، راهنمای طراحی شهری یک بلوار محلی به‌منظور جذب ساکنان محله جهت ارتقاء تعاملات اجتماعی را پیشنهاد دادند. در این زمینه صالحی‌نیا و معاریان (۱۳۸۸) با هدف افزایش فرصت‌های تعامل اجتماعی در ساختمان‌های عمومی، به بحث اجتماع‌پذیری فضای معماری پرداخته‌اند. آن‌ها نشان می‌دهند «همه‌گویی و سازگاری» بالا بین کالبد فضا و رفتارهای تعامل فرافرادی، اجتماع‌پذیری را افزایش می‌دهد. علاوه بر بحث سازگاری کالبدی، دانشگر مقدم و همکاران (۱۳۹۰) با پرداختن به تأثیر عناصر طبیعی بر اجتماع‌پذیری محیط، نشان دادند ارتباط فضای معماری با عناصر طبیعی، بر ایجاد اشتیاق به فعالیت‌های جمعی در آن فضا مؤثر است. همچنین دهناد و کریمی (۱۳۹۸)، بر اساس مؤلفه‌ها و ابعاد مشخص، میزان استفاده از فضای باز و شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های زیستی را ارزیابی و تحلیل کرده‌اند. آن‌ها درنهایت

و مؤلفه‌های دو سازه اجتماع‌پذیری و نحو فضا ارائه شده است. سپس با تمرکز بر شرح اندیشه لویناس در زمینه روابط رو-در-رویی بین افراد، از دیدگاه او به‌مثابه یک تمییز دهنده استفاده شده است. یعنی مبتنی بر اندیشه او مؤلفه‌های نحو فضا در قالب طرح‌هایی سه‌بعدی (کیفیاتی فرمی) منطبق و غیر منطبق با آن سناریوسازی می‌شوند. بدین ترتیب کیفیات فرمی در قالب سناریوها در اختیار گروهی از مشارکت‌کنندگان قرار می‌گیرند تا پس از تجربه مجازی هر سناریو، با امتیازدهی در طیف لیکرت به پرسش‌هایی برخاسته از مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری، داده‌های لازم کسب و امکان تحلیل آماری و نتیجه‌گیری فراهم شود (جدول ۱). از فضای مجازی به مثابه محیطی کنترل‌شده متناسب با ایده‌های مرتبط با لویناس برای سخت‌گیری در کنترل متغیرها و داده‌ها و درنهایت افزایش دقت آزمون آماری استفاده شد. این سناریوسازی در فضای مجازی مبتنی است بر تجربه لانگه^۲ که در پژوهش خود برای تغییر محتمل آینده وضع موجود یک پیاده‌رو در یک منظر روستایی، سه سناریوی کشاورزی، تفریح و حفاظت از طبیعت را به‌صورت یک مدل مجازی تهیه و برای شرکت‌کنندگان به‌صورت پویانمایی ارائه نمودند و در جهت هدف تحقیق خود که چگونگی آماده‌سازی و ارائه شبیه‌سازی برای مشارکت ذینفع بوده است، نظر شرکت‌کنندگان را مورد بررسی قرار دادند (Longe & Longe, 2017).

پیشینه پژوهش

گانس^۲ (۲۰۰۲)، درباره موضوعات مختلفی در جامعه‌شناسی فضایی بحث کرده است. او نشان داده است که آشنایی افراد با نحوه استفاده از فضا در طراحی معماری کاربرپسند و برنامه‌ریزی فضایی مؤثر است. از نظر او برای نو شدن شهرنشینی واقعی، تحقیق درباره جامعه‌شناسی

جدول ۱. مراحل تحقیق

مراحل	توضیح	روش	خروجی
پیشینه	مرور یافته‌های تحقیقات پیشین درباره مسئله تحقیق	جست‌وجو کتابخانه‌ای در پایگاه‌های استنادی	تشخیص حفره‌ها در تحقیقات پیشین
مبانی نظری	مرور ادبیات موضوع برای تدقیق مفاهیم پایه	جست‌وجو کتابخانه‌ای در پایگاه‌های استنادی	استخراج معیارها و مؤلفه‌ها
چهارچوب نظری	تهیه طرح نظری لازم برای گردآوری و سنجش داده‌های میدانی	کتابشناسی تشریحی، استدلال منطقی و ساخت سناریو از طریق طراحی مبتنی بر مبانی	برنامه و ابزار لازم برای انجام بررسی میدانی شامل پرسش‌نامه و سه سناریوی فضایی سه‌بعدی مجازی
سنجش میدانی	کسب شواهد میدانی برای انجام مقایسه در چهارچوب طرح نظری تحقیق	ارائه سناریوها و اخذ داده با پرسش‌نامه‌ها	داده‌های خام برای پردازش و تحلیل
تحلیل	پردازش و تحلیل داده‌ها برای شناسایی تفاوت‌های معنادار	استفاده از آزمون‌های آماری واریانس یک‌طرفه و توکی بعلاوه استدلال منطقی	نتیجه‌گیری

از جمله سویه‌های اخلاقی و سیاسی به آن است. همان‌طور که در بخش مبانی نظری شرح داده می‌شود، بیشتر تحقیقاتی که تاکنون در زمینه اجتماع‌پذیری فضاها انجام شده‌اند، در راستای تحقق‌پذیری افزایش میزان اجتماع‌پذیری فضاها و جذب بیشتر افراد و گروه‌های اجتماعی در تعاملات اجتماعی بین آن‌ها هست. تحقیق پیش رو علاوه بر در نظرگیری هدف ذکر شده، با بهره‌گیری از فلسفه رو-در-روی امانوئل لویناس و توجه به بعد اخلاقی نوع ارتباط بین افراد، به امتیازدهی اجتماع‌پذیری فضاها اجتماعی می‌پردازد. در این راستا، در تحقیق حاضر از یک طرف توجه کردن به سویه‌های اخلاقی و ارتباط آن با فضاها اجتماعی و لایه‌های مختلف جامعه در ارتباط با شهر و از طرف دیگر توجه به نحو فضا نه در سطح تحلیل نرم‌افزاری بلکه در سطح مفاهیم اولیه برای کمک به ساخت سناریو بر اساس یک رویکرد نظری، جنبه متفاوت و جدید محسوب می‌شود.

مبانی نظری

رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ دادن به نیاز انسان به پیوند جویی و نیاز احساس تعلق به مکان، یک ضرورت است و به رشد فردی انسان کمک می‌کند (صالحی نیا و معماریان، ۱۳۸۸). فضاها اجتماعی پذیر به فضاهایی گفته می‌شود که چندمنظوره هستند و بسیاری از فعالیت‌های روزمره و مورد استفاده بهره‌برداران را مهیا می‌سازند (Lenard & Lenard, 1998). افراد گروه‌های جامعه، فضای طبیعی را به فضای اجتماعی تبدیل می‌کنند. کاربران و استفاده‌کنندگان تعیین می‌کنند چه اتفاقاتی در فضای طبیعی یا اجتماعی می‌افتد و تأثیرات آن بر روی آن‌ها توسط عوامل اجتماعی و اقداماتشان به وجود آمده است (Gans, 2002). این محققان اشاره به این دارند که حضور پذیر اجتماعی، دارای پیش‌شرط‌هایی است که می‌تواند در ارتباط با آن‌ها اقداماتی اثربخش در حوزه معماری و شهرسازی انجام داد. حضور پذیر اجتماعی دارای پیش‌شرط‌هایی است که در صورت تحققشان، با تأمین نحو فضایی مناسب در قالب کیفیات فرمی می‌تواند اجتماع‌پذیری را افزایش داد. در ادامه ضمن اشاره به اصلی‌ترین پیش‌شرط‌های اجتماع‌پذیری، مؤلفه‌های معرف اجتماع‌پذیر بودن و مؤلفه‌های نمایش‌دهنده نحو فضا بیان می‌شوند. با این کار مبانی لازم برای ساخت پرسش‌نامه و سناریوهای مجازی حاوی کیفیات فرمی فراهم می‌شود.

اجتماع‌پذیری

فضاهای اجتماع‌پذیر ویژگی‌هایی دارند که سبب نزدیک شدن یا دور شدن افراد یک جامعه از یکدیگر می‌شوند (Osmand, 1957). یعنی

سه مؤلفه ادراک، تعاملات اجتماعی و مؤلفه‌های کالبدی را مؤثر بر ارتقاء میزان کیفیت فضاهای باز مکان‌های مسکونی و در نهایت بالا رفتن تأثیر مثبت مجتمع‌های مسکونی بر روابط اجتماعی افراد معرفی می‌کنند. در این باره، همدانی گلشن (۱۳۹۴)، با بازخوانی انگاره‌ها و اندیشه‌های موجود در نظریه نحو فضا ثابت می‌کند نحو فضا، قابلیت بسط و توسعه در بسیاری از معضلات شهری و مجموعه‌های زیستی را داراست.

شجاعی و پرتوی (۱۳۹۴) با چنین مبانی و مؤلفه‌هایی میزان اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی شهر تهران را در دو مقیاس مختلف محلی و ناحیه‌ای مقایسه کرده و نشان می‌دهند توجه به اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی در هر دو مقیاس ضروری است به طوری که اجتماع‌پذیری در مقایسه ناحیه‌ای نمی‌تواند جایگزین اجتماع‌پذیری مقیاس محلی شود. همچنین در شهر تهران، اجتماع‌پذیری فضاهای محلی ضعیف‌تر از اجتماع‌پذیری فضاهای ناحیه‌ای است. با هدف و تمرکز بیشتر بر اقدام‌های اجرای مؤثر در راستای اجتماع‌پذیری، نظریه و همکاران (۱۳۹۶) با استفاده از شاخص‌های روش نحو فضا، اصلاحات کالبدی-فضایی تأثیرگذار در بهبود حیات جمعی سکونتگاه‌های دانشجویی را شناسایی و سپس در محیط شبیه‌سازی شده اصلاحات غیر سازه‌ای مورد نظر را اعمال کرده‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند با استفاده از روش نحو فضا و بدون مداخله در سیستم سازه‌ای می‌توان موجبات ارتقاء حضور و حرکت کاربران در فضا را فراهم آورد که از شروط اساسی و اولیه شکل‌گیری کنش متقابل اجتماعی بین کاربران است. از جهت اعتبار و دقت مؤلفه‌های نظریه نحو فضا با آنچه در واقعیت رخ می‌دهد، حیدری و فرهادی (۱۳۹۷) با مقایسه نتایج روش نحو فضا و نقشه‌های شناختی کاربران در زمینه رفتارهای اجتماع‌پذیر افراد نشان می‌دهند رابطه معناداری در تطبیق نقشه‌های شناختی زایشی^۸ - غیرزایشی^۹ و نقشه‌های پیکره‌بندی فضایی مشاهده می‌شود. در زمینه رابطه فلسفه لویناس، تحقیق فارسی‌زبانی انجام نشده است. در منابع انگلیسی‌زبان ویسنویسکی^{۱۰} (۲۰۰۸) به چگونگی تحقق اخلاق لویناس در معماری پرداخته است و فضای ارتباطی را به‌عنوان فضایی برای دیگری که موجب تعالی منافع خاص مادی به خاطر رفاه عمومی و حسن نیت بین مردم می‌شود مطرح می‌کند.

بنابراین تاکنون اجتماع‌پذیری فضا و رابطه آن با نحو و شرایط فضا در معماری و شهرسازی به چندین طریق مورد توجه محققان بوده است به طوری که توجه و به‌کارگیری از ظرفیت‌های نحو فضا برای مدیریت اجتماع‌پذیری آن در طراحی معماری امری پذیرفته شده است. ولی از دو جنبه همچنان به تحقیقات بیشتری نیاز است. اول، بررسی در گونه‌های دیگر فضایی و دوم، افزودن جنبه‌های نظری مهم

فضا اهمیت بیشتری می‌یابد. بارکر^{۱۱} فعالیت در فضاها را به‌عنوان قابلیت‌ی در روابط و تعاملات اجتماعی معرفی می‌کند (Barker, 1968). وقوع رویدادهای خاص بر خوشایند نمودن ارتباط بین افراد تأثیر گذاشته و سبب تمایل به گفتگوی میان آن‌ها می‌شود (Whyte, 1980).

فرصت‌های دیدار و ملاقات با دیگران که به تعاملات اجتماعی منجر می‌شود، می‌تواند پیش‌نیاز ترویج روابط متقابل اجتماعی غیررسمی و پیش‌بینی‌نشده باشند و در دسته تعاملات اجتماعی به‌عنوان یکی از پیش‌شرط‌های اجتماع‌پذیری قرار بگیرند. نیازهای اجتماعی انسان همچون تفریح و سرگرمی، استراحت و معاشرت (دیدار و ملاقات) می‌تواند با تعامل در فضا تأمین شوند (Efroymsen, et al, 2009). دیدار و ملاقات، استراحت، تفریح و سرگرمی به‌عنوان نیازهای اساسی انسان می‌توانند با تعامل در فضا پوشش داده شوند و به این وسیله تعامل اجتماعی با برطرف ساختن این نیازها برقرار شود (شجاعی و پرتوی، ۱۳۹۴). عوامل دیگر مؤثر بر افزایش تعاملات فردی و فرافردی و در پی آن بالا رفتن اجتماع‌پذیری فضا، عامل‌های انسانی (روانی- اجتماعی) همچون پایگاه اقتصادی و اجتماعی، شخصیت، انگیزش‌ها و نیازهای پایه روانی، شرایط روحی، باورها و توقعات می‌باشند (صالحی نیا و معماریان، ۱۳۸۸). در مجموع اجتماع‌پذیری در فضا، معنا یا سازه‌ای نظری است که می‌توان آن را حاصل هم‌نشینی هم‌زمان سه مفهوم وجود فعالیت‌های اجتماعی در مکان، رخ دادن و برقراری تعاملات اجتماعی افراد در طی فعالیت‌ها و منطبق بودن شرایط انسانی مخاطبان برای تشدید تعاملات اجتماعی دانست که برخی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های موجود در ادبیات این حوزه برای سنجش هر مفهوم در جدول ۲ تدوین شده است.

میزان اجتماع‌پذیری بستگی به میزان جذب افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی دارد؛ به این‌که در یک فضا مردم ساعت‌ها با هم گفتگو یا تعامل طولانی دارند یا نه (Whyte, 1980). محیط انسان‌ساخت با سازمان‌دهی فضایی فعالیت و شیوه زندگی، اجتماع‌پذیر می‌گردد. بنابراین، در بررسی سامانه‌های جمعی- فضایی محیط- که در نهایت باید در قالب سازمان‌دهی فضایی در طرح پیاده‌شوند- توجه به ادراک محیط نقشی محوری دارد (دانشگر مقدم و همکاران، ۱۳۹۰). فضاهای شهری مناسب از جنبه ادراک، تنوعی از فعالیت‌ها و تجربیات را برای گروه‌های مختلف شهروندان فراهم می‌سازد (Gehl, 1987). هرگونه فعالیت‌های جمعی و یا تعاملات اجتماعی که انسان به‌عنوان کاربر فضایی انجام می‌دهد و از آن بهره می‌برد را می‌توان به‌عنوان پیش‌شرط‌هایی در جهت پیشرفت فضاهای اجتماع‌پذیر که تمرکز بر رابطه فضا و جامعه است در نظر گرفت (Gans, 2002).

در همین راستا، وقوع رویدادهای خاص در فضاها، موقعیت‌هایی را برای برقراری ارتباط بین افراد ایجاد می‌کند. بنابراین مشخصات عملکردی- کالبدی فضاها نیازمند توجه به نوع فعالیت‌ها در آن است. از ابعاد مؤثر در مؤلفه‌های فعالیت می‌توان به؛ نحوه استفاده کاربران از فضاهای عمومی و ارزیابی عملکردهای فضا اشاره کرد (کربلایی حسینی غیاثوند و سهیلی، ۱۳۹۷). گانس نوع عملکرد فضا که توسط کاربر فضا تعیین می‌شود را به‌عنوان پیش‌شرط‌هایی در اجتماع‌پذیری فضاهای شهری معرفی می‌کند؛ از جمله: مکان، مدل اجتماعی، فضای عمومی، اثرات همسایگی، ارزش زمین، تراکم و مجاورت (Gans, 2002). در این راستا اگر فضای اجتماع‌پذیری را در یک فضای جمعی کوچک‌تر از مقیاس شهر در نظر بگیریم، پیش‌شرط‌هایی همچون: مکان، مدل اجتماعی، اثرات همسایگی و مجاورت در ارزیابی عملکرد

جدول ۲. چهارچوب مفهومی اجتماع‌پذیری

منبع	مؤلفه	معیار
دانشگر مقدم و همکاران، ۱۳۹۰	ادراک (واکنش‌های برانگیختگی در برابر محیط انسان‌ساخت)	فعالیت جمعی
Whyte, 1980, Barker, 1968، کربلایی حسینی غیاثوند و سهیلی، ۱۳۹۷	نحوه استفاده کاربران از فضاهای عمومی (فعالیت در فضا، وقوع رویداد های خاص)	
Gans, 2002، کربلایی حسینی غیاثوند و سهیلی، ۱۳۹۷	ارزیابی عملکردهای فضا (مکان، مدل اجتماعی، اثرات همسایگی و مجاورت)	
Efroymsen, et al., 2009، شجاعی و پرتوی، ۱۳۹۴	دیدار و ملاقات (معاشرت) استراحت تفریح و سرگرمی	تعامل اجتماعی
صالحی نیا و معماریان، ۱۳۸۸	شرایط روانی و اجتماعی (پایگاه اقتصادی و اجتماعی، شخصیت، انگیزش‌ها و نیازهای پایه روانی، شرایط روحی، باورها و توقعات)	انسانی

نحو فضا

طی شده توسط یک فرد از یک نقطه به نقاط دیگر در طول مسیر دسترسی، «عمق» نامیده می‌شود. هر چه این مراحل بیشتر باشند عمق بیشتر است (جعفری بهمن و خانیان، ۱۳۹۱؛ کربلایی حسینی غیاثوند و سهیلی، ۱۳۹۷؛ Nes Yamu, 2018). افزایش عمق به افزایش کنترل‌پذیری و کاهش عمق به ایجاد حریمت در محیط منجر می‌شوند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۶). شاخص «انتخاب»، تعداد کوتاه‌ترین مسیرهای ارتباط‌دهنده است که میزان جریان یک فضا را تعیین می‌کند. هر اندازه میزان جریان در یک فضا بیشتر باشد دارای انتخاب بیشتری از سوی افراد استفاده‌کننده از آن فضا هست. «کنترل» پارامتری است که درجه اختیار یک نقطه از نقاط دیگر را که به آن‌ها متصل شده‌اند مشخص می‌کند. درجه اختیار یک نقطه، به درجه انتخاب آن نقطه نسبت به نقطه‌ای مشخص بستگی دارد. هر اندازه درجه انتخاب یک نقطه نسبت به نقطه‌ای دیگر کمتر باشد، میزان کنترل بر آن کمتر است و بالعکس (مداحی و معماریان، ۱۳۹۵؛ کربلایی حسینی غیاثوند و سهیلی، ۱۳۹۷؛ Al Sayed, 2014). این مبنا می‌توان به شرح جدول ۳ معیار و مؤلفه‌های شکل‌دهنده انواع نحو فضا را تدوین کرد.

چهارچوب نظری

فلسفه «رو-در-روی» لویناس

مبانی نظری که به‌عنوان رویکرد موضوع تحقیق از آن استفاده شده، فلسفه رو-در-روی از دیدگاه امانوئل لویناس فیلسوف فرانسوی قرن بیستم میلادی هست. «لویناس در اشاعه پدیدارشناسی در فرانسه نقش مهمی داشت. ریکور^{۱۲} او را پایه‌گذار مطالعات مربوط به هوسرل در فرانسه توصیف و سارتر^{۱۳} معترف بود در کشفی که به او دست داده لویناس نقش مهمی داشت» (دیویس، ۱۳۸۶، ۲۱). پدیدارشناسی رو-در-روی لویناس به‌نوعی فلسفه اخلاق درباره رابطه «خود» با «دیگری» هست. لویناس نیاز را به‌واسطه رنج یا لذت، بنیاد وجود آدمی دانسته و از آن به‌عنوان «استعلایی»^{۱۴} (Bergo, 2011) که همواره روی به چیزی غیر از خودمان دارد نام می‌برد. دلیل اصلی این

محققانی که به نحو فضا می‌پردازند بنا را مکانی می‌دانند که در آن وقایع اجتماعی روی می‌دهد و بیش از جنبه هنری بنا، جنبه‌های اجتماعی آن دارای ارزش است. بنابراین نحو فضا در معماری روشی است که از نگاهی اجتماعی به آن پرداخته می‌شود. یعنی تحلیل وقایع اجتماعی در بنا که خود را به شکل «رابطه فضایی» نشان می‌دهد از اهداف اصلی محققان نحو فضا است (معماریان، ۱۳۸۱). البته نحو فضا چگونگی شکل‌گیری، مفصل‌بندی و پیوستگی فضاهای ساخته‌شده در هر دو عرصه معماری و شهرسازی را نشان می‌دهد (Montello, 2007). چیدمان فضایی چیزی است که فرای از ویژگی‌های فیزیکی فضا در ایجاد فعالیت‌های انسانی اهمیت می‌یابد و ویژگی‌های بصری و حرکتی انسان در فضای معماری بر شکل‌گیری همزمان فضای معماری و روابط اجتماعی مؤثر واقع می‌شوند. رویکرد ویژه نظریه نحو فضا به خوانایی محیط، قابلیت پیش‌بینی از سازمان کلی فضا فراهم می‌کند که از مشخصات محلی آن به‌دست‌آمده است (همدانی گلشن، ۱۳۹۴). بنابراین نظریه نحو فضا به مطالعه چگونگی تعامل سازمان فضایی با ساختارهای اجتماعی، رفتارها و فعالیت‌های کاربران می‌پردازد. یعنی شناخت طرح‌ها و الگوهای سیستم ارتباطی یک سازمان فضایی در شکل‌شناخت اجتماعی است که در آن فضا رخ می‌دهد. از شناخته‌شده‌ترین شاخص‌هایی که کیفیت نحو یک فضا را شکل می‌دهند می‌توان به «ارتباط»، «هم‌پیوندی»، «کنترل»، «انتخاب» و «عمق» اشاره کرد (کربلایی حسینی غیاثوند و سهیلی، ۱۳۹۷).

شاخص «ارتباط»، میزان رابطه یک فضا با فضای مجاور توسط تعداد نقاطی است که یک نقطه به‌طور مستقیم با نقاط دیگر ارتباط پیدا می‌کند. هر اندازه یک فضا دارای پیوستگی، یکپارچگی و میزان ارتباط بیشتری نسبت به فضاهای دیگر باشد، «هم‌پیوندی» بالاتری دارد. در فضاهایی با هم‌پیوندی زیاد تغییرات کمتری در جهت‌گیری فرد برای حرکت از آن فضا به فضاهای دیگر صورت می‌گیرد و در نتیجه میزان پیچیدگی یا سهولت روابط فضایی را نشان می‌دهد. تعداد مراحل

جدول ۳. چهارچوب مفهومی نحو فضا

منبع	مؤلفه	معیار
حیدری و فرهادی، ۱۳۹۷، نظرپور و همکاران، ۱۳۹۶، کربلایی حسینی غیاثوند و سهیلی، ۱۳۹۷، حیدری و همکاران، ۱۳۹۶، مداحی و معماریان، ۱۳۹۵	تعداد نقاطی که یک نقطه به‌طور مستقیم با نقاط دیگر در ارتباط است	ارتباط
	میزان پیوستگی، یکپارچگی و ارتباط یک فضا با فضاهای دیگر	هم‌پیوندی
	درجه اختیار یک نقطه از نقاط دیگر متصل به آن	کنترل
	تعداد کوتاه‌ترین مسیرهای ارتباط‌دهنده که میزان جریان یک فضا را تعیین می‌کند	انتخاب
	تعداد مراحل طی شده توسط یک فرد از یک نقطه به نقاط دیگر در طول مسیر دسترسی	عمق

نیاز انسان، خارج شدن از وضعیت فعلی خود یعنی هستی‌اش هست. هستی خنثی نیست بلکه وجود ماست و «نشان وجود ما نیاز یا تن ندادن به هستی خنثی است» (همان، ۳۵). ظهور استعلا در مواجهه با دیگری به صورت شهودی رخ می‌دهد و هر چه قدرت اراده در «من» و انجام گفتگو بیشتر شود، ظهور استعلا کم‌رنگ‌تر می‌گردد. همچنین استعلا انسان در نیستی و مرگ نیست بلکه در چیز «دیگر» است. از نظر لویناس برخورد ما با دیگری مانند مواجهه‌شدن با اشیا نیست و با اینکه دیگری از میان وضعیت اجتماعی‌اش به ما داده می‌شود، در جهان نوعی عین محسوب می‌گردد. لویناس رابطه اجتماعی به تعریف دور کیم^{۱۵} که چیزی است برتر از فرد و رابطه اجتماعی از زبان هایدگر را که جمعیتی است حول محور حقیقت و درنهایت در سوژه تک‌وتنها پیدا می‌شود، قبول ندارد. او جمع من و تو را می‌پذیرد و آن را از نوع مشارکت حول چیز یا شخص سومی نمی‌داند بلکه این رابطه را «چهره به چهره» (همان، ۴۵) و بدون واسطه می‌نامد و آن را با «بیناسوبژکتیو^{۱۶} نامتقارن» (لویناس، ۱۳۹۲، ۱۴۲) شرح می‌دهد که به صورت همزمان نزدیکی و دوگانگی، نامتقارن و درعین حال هم‌سطح رخ می‌دهد. در این رابطه سوژه به استعلایی دست پیدا می‌کند که در عین سوژه ماندنش ثمربخش هم باشد و ناگزیر به خود بازنگردد. در پدیدارشناسی رو-در-رویی لویناس، «قابلیت آگاهی سوژه برای مواجهه با چیزی غیر از خود» در تقابل با پدیدارشناسی هوسرل و «کنار گذاشتن خودکامگی هستی» در تقابل با پدیدارشناسی هایدگر قرار می‌گیرد. بنابراین غیر یا دیگری تحت سلطه «من» واقع نمی‌شود. از نظر لویناس معرفت و تجربه از آن «من» هستند و نمی‌توان به‌وسیله آن دیگری را شناخت و از آنجایی که دیگری در جهان سهم دارد آزادی و اختیار «من» مورد تردید واقع می‌شود. خود اخلاق، بنیاد کار لویناس هست و دیگر دستاوردهای انسان مانند معرفت و فلسفه ناشی از اخلاق هستند و «فضایل دیگر خواهانه» (علیا، ۱۳۸۸، ۶۸) به عنوان شرایط و زمینه‌های اخلاقی فراهم می‌گردند. یک رابطه انسانی اخلاقی یعنی خود را بی‌قیدوشرط تقدیم دیگران نمودن و به‌جا آوردن حق اخلاق بدون توقع. اساس اخلاق در فلسفه لویناس، نامتقارن بودن رابطه اخلاقی بین سوژه‌ها و منع هرگونه بده بستان اخلاقی هست. در نامتقارن بودن رابطه، همه سوژه‌ها مشمول اصول و تکالیف یکسان نیستند. تصور نامتناهی از دیگری الگویی برای رابطه درست سوژه با دیگری است و حس مسئولیت نامتناهی را برای او به وجود می‌آورد. وقتی «من» در قبال دیگری احساس مسئولیت کند به او نزدیک می‌شود. این نزدیکی میزان احساس مسئولیت نسبت به دیگری را مشخص می‌نماید. همچنین عدالت اجتماعی مورد نظر لویناس سیاسی است که در آن

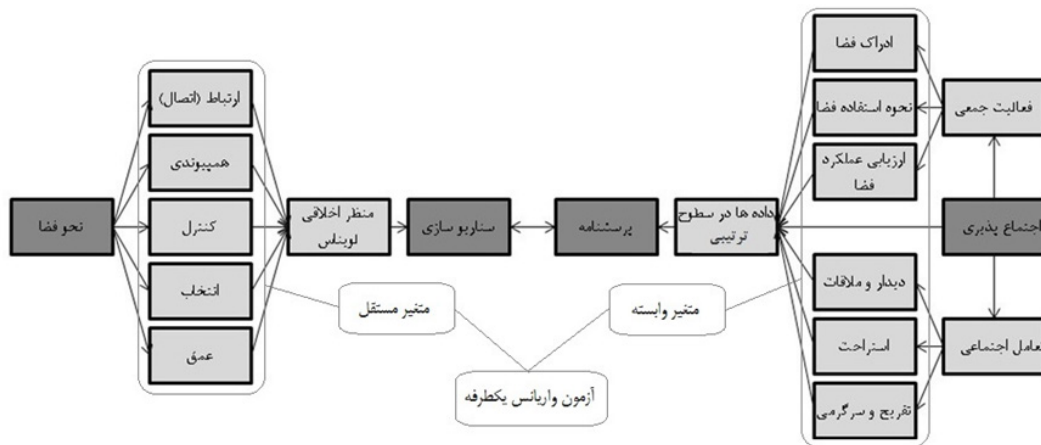
به‌جای وضع قوانین از پیش موجود، هر فرد مسئول دیگران هست. در اینجا لویناس عدالت نهاد خانواده را اثرگذارتر از عدالت و سیاست دولت یا جامعه مدنی می‌داند. رو-در-رویی سوژه با دیگری از جنس انسان، تولدی دوباره و تجربه‌ای غیرقابل‌پیش‌بینی و رو به استعلا برای او محسوب می‌شود. این رو-در-رویی اگر به صورت مواجهه چهره به چهره که به‌طور ذاتی صلح‌آمیز و دوستانه هست رخ دهد، سبب‌ساز گفتگو، تعلیم عقل و جامعه‌ای می‌گردد که مدنظر لویناس قرار گرفته است. درنهایت موضوعات کلی مطرح‌شده از اندیشه رو-در-رویی لویناس در اثربخشی بر توسعه روابط اجتماعی شامل: ادراک شهودی، گریز از هستی و بیناسوبژکتیو نامتقارن می‌باشند.

طرح نظری

طرح نظری به‌کاررفته برای گردآوری و سنجش داده‌ها در تحقیق حاضر، از مبانی نظری به دو شکل مختلف استفاده می‌کند. هدف از این کار، نزدیک شدن با بافتار واقعی زندگی روزانه و عادی است که می‌توان آن را نوعی نزدیک شدن به فهم ضمنی مخاطبان عنوان کرد. در این طرح نظری مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری برای ساخت پرسشنامه به‌کاررفته‌اند و مؤلفه‌های نحو فضا برای سناریوسازی‌ها (شکل ۱). مؤلفه‌های نحو فضا به رابطه‌های فضایی منجر می‌شوند که نگرش‌های اجتماعی در پدید آمدن آن‌ها نقش دارند. از آنجاکه در این پژوهش دیدگاه فلسفه رو-در-رویی لویناس در روابط بین افراد مطرح است، مؤلفه‌های نحو فضا با عبور از فیلتر نگرش اجتماعی مطرح‌شده در فلسفه لویناس مدنظر قرار می‌گیرند. با توجه به اینکه بحث گریز از هستی لویناس همان مواجهه‌شدن با چیز «دیگر» است و در مقابل هر آنچه عطف به مرکز چیزی باشد فرض می‌شود، سناریوی مرکز‌گرا که به‌طور معمول در فضاهای عمومی دیده می‌شود در دسته سناریوی غیر منطبق با لویناس قرار می‌گیرد. سناریوی خطی نیز به‌عنوان نوعی دیگر از طراحی فضاهای عمومی که امکان تقارن سازی و پیش‌بینی‌پذیری را در محور اصلی خود ایجاد می‌کند، در دسته سناریوی غیر منطبق با «بیناسوبژکتیو نامتقارن» مطرح در فلسفه لویناس قرار می‌گیرد.

تهیه پرسش‌نامه بر اساس مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری

برای ساخت پرسشنامه، حس و تجربه افراد حاضر در فضاهای جمعی در سطح داده‌های ترتیبی مدنظر قرار می‌گیرند تا امکان تحلیل آماری صحیح‌تری فراهم باشد. برای این منظور، پرسش‌نامه‌هایی به شکل «از تنوع فضایی چقدر رضایت داشتید؟ فضا را از جنبه تعامل با محیط چقدر دارای ظرفیت یافتید؟ فضا را چقدر مناسب فعالیت‌های جمعی یافتید؟ فضا را چقدر مناسب برای دیدار و ملاقات با افراد



شکل ۱. چهارچوب نظری پژوهش

شهودی»، «گریز از هستی» و «بیناسوبژکتیو نامتقارن» مطرح شده در اندیشه لویناس، شکل گرفت. اندیشه های مطرح شده خاصی بصری همچون غیرقابل پیش بینی بودن، مرکز گریزی، عدم تقارن و ناهمگنی را در خود دارند که منجر به ویژگی های بصری همچون «ارتجال» (Dondis, 1973)، پیچیدگی بیشتر و سهولت کمتر، بی نظمی و کنترل ناپذیری می شوند. جدول ۴، سه پلان با تصویر سه بعدی از نمای ورودی سناریوهای متفاوت از هم را نشان می دهد که در معرض آزمایش افراد حضور یافته در فضای مجازی تهیه شده از نرم افزار آرشیکد مشابه با پلان های مذکور و پاسخ دهنده به پرسش نامه تهیه شده در بخش قبل، قرار می گیرند.

سنجش میدانی

جزئیات روش شناختی

با انجام آزمایش واقعیت مجازی به کمک گروه مشارکت کننده، به این سؤال پرداخته شده است که از میان سه سناریوی نحو فضای ساخته شده (متغیر مستقل)، کدام سناریو برای حضور و تعامل یا همان اجتماع پذیری (متغیر وابسته) در بین افراد مذکور اولویت دارد؟ فرضیه تحقیق به دنبال تحلیل تفاوت در میزان اجتماع پذیری سه فضای معماری سناریوسازی شده منطبق با اندیشه های لویناس و غیر منطبق با آن است.

جمعیت افراد مشارکت کننده ۵۰ نفر به صورت هدفمند انتخاب شده اند تا از جنبه های مؤلفه های انسانی تفاوت های بارزی وجود نداشته باشد. این افراد از میان گروه سنی جوان در مقطع لیسانس و

جدید مختلف یافتید؟ فضا را چقدر آرامش بخش یافتید؟ فضا را چقدر شادی آور یافتید؟» به مشارکت کنندگان، پس از تجربه کردن سناریو های ساخته شده به صورت مجازی، ارائه شد تا در طیف ۵ تایی لیکرت به آن ها پاسخ دهند. در تهیه پرسشنامه بر اساس مؤلفه های اجتماع پذیری، به دلیل متعدد شدن عوامل و نیز محدودیت زمانی که از جهت تهیه سناریو های فرمی به صورت شبیه سازی کامپیوتری وجود داشت، مؤلفه های مربوط به عامل انسانی به صورت تا حدودی مشابه میان نمونه ها در نظر گرفته و از بررسی آن ها صرف نظر شد. یعنی مشارکت کنندگان از این جنبه به صورت هدفمند انتخاب شدند. بنابراین تنها فاکتورهای فعالیت جمعی و تعامل اجتماعی با توجه به نزدیک تر بودن هدف این تحقیق در اجتماع پذیر شدن مراکز اجتماعی مدنظر قرار گرفته شدند.

تهیه سناریو از اندیشه رو-در-روی لویناس بر اساس مؤلفه های نحو فضا

برای ساخت سناریوها، مؤلفه های نحو فضا شامل «ارتباط»، «همپیوندی»، «عمق»، «انتخاب» و «کنترل» در سه ترکیب مختلف در قالب سه سناریو تهیه شد (جدول ۴).

سناریوی اول مرکز گرا، همگن و منظم، دارای روابط فضایی با قابلیت پیش بینی، پیچیدگی کمتر و سهولت ارتباطی متوسط هست. سناریوی دوم خطی، دارای تقارن محوری و مانند سناریوی اول همگن و منظم، با روابط فضایی از پیش تعیین شده، پیچیدگی کم و سهولت ارتباطی متوسط هست. سناریوی سوم با در نظرگیری مباحث «ادراک

جدول ۴. مؤلفه‌های نحو فضا در روابط فضایی سناریوهای مجازی

شماره سناریو	۱	۲	۳
ترکیب فضایی	غیر منطبق با لویناس (مرکز‌گرا)	غیر منطبق با لویناس (خطی)	منطبق با لویناس
نمونه پلان			
نمونه فضایی			
درجه استفاده از مؤلفه	کم	متوسط	زیاد
ارتباط (اتصال)	✓	✓	✓
همپیوندی	✓	✓	✓
عمق	✓	✓	✓
کنترل	✓	✓	✓
انتخاب	✓	✓	✓

کدام مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری دارای تفاوت در رضایت هستند؟ با ابتدا بر نتایج چنین تحلیل آماری می‌توان به صورت نظری تشخیص داد که حضور در فضاهای یک سناریو در نسبت با سناریوهای دیگر منجر به چه میزان از درک از فضا می‌شود؟ آیا تفاوتی در میزان رضایت از تناسب با عملکرد وجود داشته است؟ آیا انگیزه دیدار و ملاقات با افراد مختلف با حضور در سناریوهای مختلف تغییر می‌کند؟ برای استراحت، تفاوتی در سناریوها دیده شده است؟ تفریح و سرگرمی در سناریوهای مختلف به چه میزان مهیج‌تر و پرنشاط‌تر می‌شود؟ پاسخ این سؤالات می‌تواند این امر را آشکار سازد که آیا کیفیات فرمی که با اندیشه لویناس تفکیک و در قالب چیدمان‌های مختلفی از مؤلفه‌های نحو فضا سازمان‌دهی شدند توانسته‌اند تفاوت‌های معناداری هم‌سو با اندیشه‌های لویناس در مخاطبان این فضا ایجاد کنند یا خیر؟ در کدام مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری این موفقیت بیشتر بوده است؟

برای این منظور ابتدا نرمال بودن توزیع داده‌ها برای هر سه سناریو

فوق‌لیسانس، در هر دو جنسیت زن و مرد و با رشته‌های تحصیلی مختلف انتخاب‌شده‌اند. نمایش هر سه سناریو و سپس گردآوری داده از طریق پرسشنامه به صورت مجزا از تمام ۵۰ نفر، در مجموع در ۵ نوبت مختلف با گروه‌های تقریباً ۱۰ نفره انجام شده است. گزینه‌های سه‌بعدی به عنوان واقعیت مجازی به صورت انیمیشن کامپیوتری ۴ دقیقه‌ای به صورت تصادفی که ترتیب خاصی را القا نکند در هر نوبت به صورت گروهی برای مشارکت‌کنندگان پخش شده است و سپس پرسشنامه‌ها توسط آنان تکمیل شده است. انیمیشن‌ها به صورت خطی برای طی کردن یک مبدا و مقصد مشابه ولی با کیفیت فرمی‌های مختلف که شرح آن مبتنی بر اندیشه لویناس تشریح شد، سناریوسازی شدند.

تحلیل یافته‌ها

مجموعه اقدامات گردآوری، پردازش و تحلیل داده‌ها در این بخش در پی شناسایی این امر است که در میان سه سناریوی ساخته‌شده،

جدول ۵. نتایج تحلیل آمون آماری

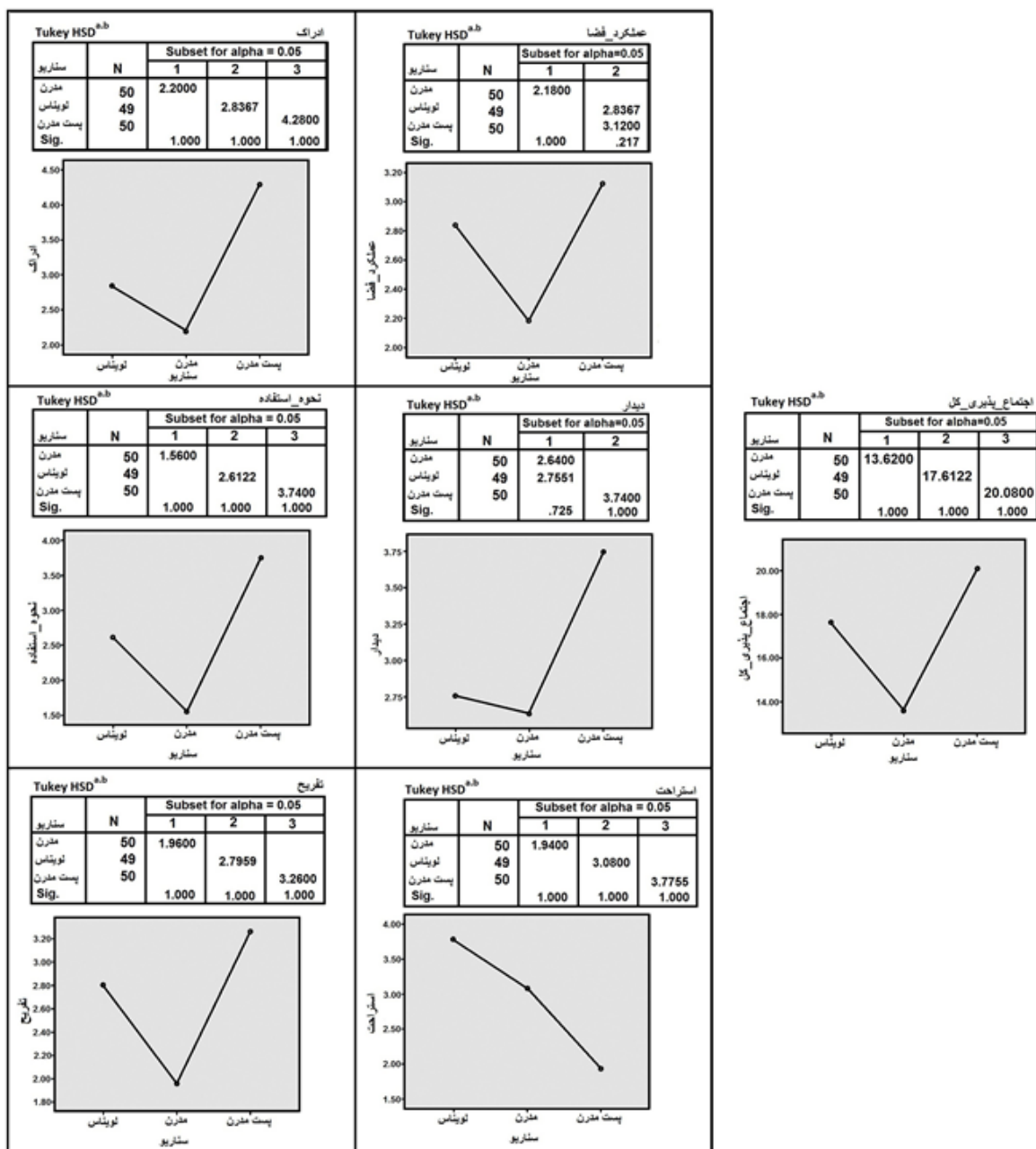
ANOVA		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
اجتماع_پذیری_کل	Between Groups	1062.397	2	531.199	91.989	.000
	Within Groups	843.093	146	5.775		
	Total	1905.490	148			
ادراک	Between Groups	113.508	2	56.754	124.092	.000
	Within Groups	66.774	146	.457		
	Total	180.282	148			
نحوه_استفاده	Between Groups	118.857	2	59.428	128.403	.000
	Within Groups	67.573	146	.463		
	Total	186.430	148			
عملکرد_فضا	Between Groups	23.237	2	11.618	16.412	.000
	Within Groups	103.354	146	.708		
	Total	126.591	148			
دیدار	Between Groups	36.470	2	18.235	32.388	.000
	Within Groups	82.201	146	.563		
	Total	118.671	148			
استراحت	Between Groups	85.157	2	42.579	64.067	.000
	Within Groups	97.031	146	.665		
	Total	182.188	148			
تفریح	Between Groups	43.387	2	21.693	40.868	.000
	Within Groups	77.499	146	.531		
	Total	120.886	148			

آزمون تعقیبی توکی استفاده می‌شود. این آزمون نشان می‌دهد که میانگین اجتماع‌پذیری در کل و همچنین تمام مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن در هر سه سناریو نسبت به هم تفاوت معناداری دارند ($Sig < 0.005$)؛ به جز در مؤلفه «عملکرد فضا» که بین سناریو اول و سوم تفاوت معناداری نیست و مؤلفه «دیدار» که بین سناریو اول و دوم تفاوت معناداری نیست ($Sig > 0.005$). نمایش گرافیکی نتایج این آزمون تعقیبی در شکل ۲ نمایش داده شده است.

این شکل نشان می‌دهد، در مجموع کل مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری، به ترتیب سناریوی ۳، ۱ و ۲ بیشترین رضایت را کسب کرده‌اند. بدین ترتیب سناریوی ۳ بیشترین گزینه مناسب برای اجتماع‌پذیری و سناریوی ۲ کمترین گزینه مناسب است. برای ورود به جزئیات این تفاوت می‌تواند سه نوع الگو را مشاهده کرد. در مؤلفه ادراک، نحوه استفاده و دیدار، الگویی تیک شکل وجود دارد بدین معنا که سناریوی ۳ با اختلاف زیادی از ۱ قرار گرفته و سناریوی ۲ با اختلاف کمی از

بررسی شد. برای این کار از آزمون K-S برای هر مؤلفه در نرم‌افزار SPSS استفاده شد. طبق این آزمون، داده‌های گردآوری‌شده از توزیع نرمال پیروی می‌کنند. فرض صفر آماری این است که میانگین سه سناریو با هم برابر است و فرض مقابل این است که حداقل میانگین یکی از سناریوها با دیگران متفاوت است. حال با آزمون واریانس یک‌طرفه وجود تفاوت برای هر شش مؤلفه و جمع کل آن‌ها در میان سه سناریو بررسی شده است. نتایج این تحلیل که در جدول ۵ آورده شده و نشان می‌دهد که برای امتیاز «کل اجتماع‌پذیری» و نیز هر شش مؤلفه «ادراک»، «نحوه استفاده»، «عملکرد فضا»، «دیدار»، «استراحت» و «تفریح»، فرض صفر رد و فرض مقابل تأیید می‌شود ($Sig < 0.005$).

اکنون فرای از اینکه تفاوت وجود دارد، برای مشخص کردن اینکه کدام گروه‌ها نسبت به هم تفاوت دارند، با توجه به اینکه تعداد اعضای مشارکت‌کننده برای امتیازدهی به هر سه سناریو برابر هستند، از



شکل ۲. نمایش گرافیکی آزمون تعقیبی

یافته‌های پژوهش

نتایج ارزیابی تأثیر «نوع نمو فضا» در قالب سه سناریو که به ترتیب با لحاظ کیفیات فرمی مختلف تطابق بیشتری با اندیشه لویناس چیدمان شده‌اند نشان می‌دهد تفاوت معناداری از جنبه اجتماع پذیری بین آن‌ها وجود دارد. سناریو ۳ که با ابتدا بر اندیشه لویناس از طریق به کار بردن کیفیات فرمی «ارتجال»، پیچیدگی بیشتر و سهولت کمتر، بی‌نظمی و کنترل ناپذیری» تهیه شده‌اند بیشترین امتیاز را بر اساس

۱ کمتر است. یعنی در این مؤلفه سناریوی ۳ به‌طور بارزتری با دو سناریوی دیگر اختلاف دارد به‌طوری‌که در مؤلفه «دیدار» این تفاوت معنادار تشخیص داده نشده است. در مؤلفه‌های عملکرد فضا و تفریح، الگوی ۷ شکل وجود دارد بدین معنا که مشابه با امتیاز کل، سناریوی ۳ بیشترین و سناریوی ۲ کمترین اجتماع پذیری را دارد. تنها در مؤلفه استراحت است که الگوی خطی نزولی به ترتیب سناریو ۱، ۲ و ۳ را نشان می‌دهد که اجتماع پذیری در آن‌ها به ترتیب کاهش یافته است.

جدول ۶. رتبه‌بندی سناریوهای نحو فضا بر اساس مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری

سناریو	کیفیت فرمی	رتبه کل در اجتماع‌پذیری	رتبه ادراک	رتبه در نحوه استفاده	رتبه در تفریح	رتبه در عملکرد فضا	رتبه در دیدار	رتبه در استراحت
۱	کیفیات فرمی همگن و منظم، با روابط فضایی از پیش تعیین‌شده، پیچیدگی کم	۲	۲	۲	۲	۱	۲	۱
۲	خطی، دارای تقارن محوری، همگن و منظم، با روابط فضایی از پیش تعیین‌شده و پیچیدگی کم	۳	۳	۳	۳	۲	۲	۲
۳	ارتجال، پیچیدگی بیشتر و سهولت کمتر، بی‌نظمی و کنترل ناپذیری	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳

نتیجه‌گیری

مراکز اجتماعی از دسته فضاهای جمعی محسوب می‌شوند که در این تحقیق میزان اجتماع‌پذیری آن‌ها بر اساس کیفیات فرمی به‌دست‌آمده از نوع نحو فضایی که از فیلتر فلسفه رو-در-روی لویانس عبور می‌کند، سنجیده شد. پیش‌شرط‌های اجتماع‌پذیری که در نتایج این تحقیق تأثیرگذار بودند به‌صورت کلی با معیارهای فعالیت جمعی، تعامل اجتماعی و عوامل انسانی در فضا مطرح شدند. فعالیت جمعی شامل هر نوع فعالیتی است که در راستای مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری همچون: توجه به ادراک محیط، نحوه استفاده از فضا (فعالیت در فضا، وقوع رویداد‌های خاص) و ارزیابی عملکردهای فضا (مکان، مدل اجتماعی، اثرات همسایگی و مجاورت) قرار می‌گیرد. تعامل اجتماعی نیز به‌عنوان پیش‌شرطی دیگر در حضور پذیرش اجتماعی با مؤلفه‌هایی از قبیل دیدار و ملاقات (معاشرت)، استراحت، تفریح و سرگرمی مطرح شد. نحو فضا که به‌صورت روابط فضایی، اجتماع‌پذیری فضاهای جمعی را تعیین می‌کند امری پذیرفته‌شده است. در این تحقیق نحو فضا با ویژگی‌هایی از خواص بصری که از درون اندیشه روابط اجتماعی رو-در-روی لویانس برخاستند، بررسی شدند و در معرض آزمایش و مقایسه با فرم‌های فضایی منتج شده از نگرشی دور از تعاملات اجتماعی قرار گرفتند. در نهایت مشخص شد، کیفیات فرمی «ارتجال»، «پیچیدگی بیشتر و سهولت کمتر» و «بی‌نظمی و کنترل ناپذیری» به‌عنوان فرم‌های فضایی برخاسته از فلسفه همسو با تعاملات و روابط اجتماعی فلسفه رو-در-روی لویانس می‌توانند به‌طور مؤثر در افزایش اجتماع‌پذیری فضاهای مراکز اجتماعی و بالا بردن سطح حیات اجتماعی آن مؤثر واقع شوند. این نوع توجه به خصوصیات فضایی خاص برگرفته از فلسفه‌های با ویژگی‌های روابط و تعاملات اجتماعی قبل از ورود به روابط فضایی مطرح‌شده در نحو فضا، می‌تواند راهبردی جدید در طراحی مراکز اجتماعی محسوب شوند.

مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری دریافت کرده اند. تنها در مؤلفه استراحت است که این سناریو در مقایسه با دو سناریو دیگر کمترین رضایت را کسب کرده است. سناریو ۱ که متشکل از کیفیات فرمی همگن و منظم، با روابط فضایی از پیش تعیین‌شده، پیچیدگی کم هستند رتبه دوم را از جنبه اجتماع‌پذیری دریافت کرده است. این سناریو در مؤلفه عملکرد فضا مانند سناریو ۳ بالاترین امتیاز را دریافت کرده و در مؤلفه استراحت به‌تنهایی بالاترین امتیاز بوده است. سناریو ۲ با ویژگی‌های فرمی و فضایی خطی، دارای تقارن محوری، همگن و منظم، با روابط فضایی از پیش تعیین‌شده و پیچیدگی کم کمترین امتیاز را در کل از جنبه اجتماع‌پذیری گرفته است. این سناریو از جنبه مؤلفه دیدار مشابه سناریو ۱ به‌طور مشترک از سناریو ۳ ضعیف‌تر بوده است (جدول ۶).

بنابراین به نظر می‌رسد ضمن آنکه در مجموع طبق نتایج کل مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری، بکار بستن سازمان‌دهی فضایی برخاسته از فلسفه رو-در-روی لویانس می‌تواند به افزایش اجتماع‌پذیری لایه‌های مختلف اجتماعی کمک کند و تعاملات را در جامعه افزایش دهد؛ در تمام مؤلفه‌ها به‌جز مؤلفه استراحت، کیفیات فرمی تأمین‌شده در سناریو ۳ (لویانس) به بهترین شکل تفاوت خود را نشان داده است. در مؤلفه استراحت این کیفیات فرمی سناریو ۱ بوده است که به بهترین شکل تفاوت خود را نشان داده است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت به‌کارگیری کیفیات فرمی موجود در سناریو ۳ که سعی شده است بر اساس بیشترین تطابق با اندیشه لویانس تهیه شود می‌تواند به‌طور مؤثر در افزایش اجتماع‌پذیری فضا مؤثر باشد. کیفیات فرمی سناریو شماره ۱ نیز تا حدودی در رتبه دوم توانسته افزایش را تأمین کند ولی کیفیات فرمی سناریو ۲ در نسبت با دو سناریو دیگر برای فضاهای اجتماع‌پذیر توصیه نمی‌شود.

پی‌نوشت‌ها

مطالعه موردی: مقایسه خانه های یزد، کاشان و اصفهان. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۷(۲۸)، ۳۳-۲۱.

۵. دانشگر مقدم، گلرخ؛ بحرینی، سید حسین؛ و عینی فر، علیرضا. (۱۳۹۰). تحلیل اجتماع‌پذیری محیط کالبدی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان‌ساخت، مطالعه موردی نمونه های مسکونی شهر همدان. *نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، ۳(۴۵)، ۲۷-۳۸.

۶. دهناد، نازنین؛ و کریمی، باقر. (۱۳۹۸). ارزیابی نقش مؤلفه‌های مؤثر در فضای باز مجتمع‌های مسکونی بر ایجاد تعاملات اجتماعی. *نشریه هویت شهر*، ۱۱(۱)، ۸۷-۱۰۴.

۷. دیویس، کالین. (۱۳۸۶). *درآمدی بر اندیشه لویناس*. (مسعود علیا، مترجم). تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

۸. شجاعی، دلارام؛ و پرتوی، پروین. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس های مختلف شهر تهران (مطالعه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران). *فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر*، ۱۲(۳۴)، ۹۳-۱۰۸.

۹. صالحی نیا، مجید؛ و معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۸). اجتماع‌پذیری فضای معماری، *نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، ۱(۴۰)، ۵-۱۷.

۱۰. علیا، مسعود. (۱۳۸۸). کشف دیگری همراه با لویناس. تهران: نشر نی.

۱۱. قلمبر دزفولی، مهندس مریم؛ و نقی زاده، دکتر محمد. (۱۳۹۳). طراحی فضای شهری به‌منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی (مطالعه موردی: بلوار بین محله‌ای). *نشریه هویت شهر*، ۸(۱۷)، ۱۵-۲۴.

۱۲. کر بلائی حسینی غیاثوند، ابوالفضل؛ و سهیلی، جمال الدین. (۱۳۹۷). بررسی نقش مؤلفه‌های کالبدی محیط در اجتماع‌پذیری فضاهای فرهنگی با استفاده از تکنیک چیدمان فضا، مورد مطالعاتی: مجتمع های فرهنگی دزفول و نیاوران. *معماری و شهرسازی آرمانشهر*، ۱۱(۲۵)، ۳۶۱-۳۷۳.

۱۳. لویناس، امانوئل. (۱۳۹۲). *از وجود به موجود*. (مسعود علیا، مترجم). تهران: انتشارات ققنوس.

۱۴. مداحی، سید مهدی؛ و معماریان، غلامحسین. (۱۳۹۵). تجزیه و تحلیل پیکره‌بندی فضایی خانه‌های بومی با رویکرد نحو فضا (مطالعه موردی: شهر بُشروه). *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، ۳۵(۱۵۶)، ۴۹-۶۶.

۱۵. مدنی پور، علی. (۱۳۸۷). *طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی- مکانی*. (فرهاد مرتضایی، مترجم). تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

۱۶. معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۱). نحو فضای معماری. *صفه*، ۱۲(۳۵)، ۸۳-۷۵.

۱۷. نظربور، محمدتقی؛ سعادت‌تی وقار، پوریا؛ و حیدری، احمد. (۱۳۹۶). بهبود کالبد سکونتگاه های دانشجویی در جهت افزایش اجتماع‌پذیری با تکیه بر روش نحو فضا، مطالعه موردی: خوابگاه دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری.

1. Simmel

2. Levinas

3. Husserl

4. Heidegger

۵. همان: شناخت «دیگری» از ظن «من» است و نه شناخت واقعی «دیگری» یا «غیر» از چیزی که حقیقتاً هست.

6. Longe

7. Gans

۸. نقشه های شناختی زایشی: مدل های ترسیمی- طراحی که از قبل وجود نداشته و نتیجه اقدامات فعال پرسش‌شونده است.

۹. نقشه های شناختی غیر زایشی: مدل های بازشناسی- ارزیابی که پرسش‌شوندگان در معرض اطلاعاتی قرار گرفته‌اند که از قبل توسط پژوهشگر تهیه‌شده و تنها به دسته بندی آن‌ها مبادرت می‌ورزند.

10. Wiszniewski

11. Barker

12. Ricoeur

13. Sartre

14. Transcendental

15. Durkheim

16. Intersubjective

فهرست مراجع

۱. پوگام، سرژ. (۱۳۹۵). *جامعه شناسی رابطه اجتماعی*. (عبدالحسین نیک‌گهر، مترجم). تهران: انتشارات هرمس.

۲. جعفری بهمن، محمدعلی؛ و خانپان، مجتبی. (۱۳۹۱). مشکل یابی طرح های جامع از دیدگاه رفتاری و مقایسه آن با وضع موجود به روش چیدمان فضا (Syntax Space)، مطالعه موردی محله کبابیان شهر همدان. *معماری و شهرسازی آرمانشهر*، ۵(۹)، ۲۸۵-۲۹۵.

۳. حیدری، احمد؛ و فرهادی، مریم. (۱۳۹۷). واکاوی ارتباط بین نقشه های شناختی و مدلسازی های رایانه ای نرم‌افزار نحو فضا در شناخت محیط های اجتماع‌پذیر (مطالعه موردی: بستر عمومی دانشکده های هنر و معماری دانشگاه بوعلی سینا و دانشگاه شهید بهشتی). *نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، ۲۳(۲)، ۱۷-۳۰.

۴. حیدری، علی اکبر؛ قاسمیان اصل، عیسی؛ و کیایی، مریم. (۱۳۹۶). تحلیل ساختار فضایی خانه های سنتی ایران با استفاده از روش نحو فضا،

- life. (R. Mojtabapoor, Trans.). *Journal of Architecture and urbanism*, (44, 45).
26. Gans, HJ. (2002). The Sociology of Space: A Use-Centered View. *City & Community, American Sociological Association*, 1(4), 329-339.
27. Gehl, J. (1987). *Life Between Buildings: Using Public Space*. New York: Van Nostrand Reinhold.
28. Montello, D. (2007). The Contribution of Space Syntax to a Comprehensive Theory of Environment Psychology. *6th International Space Syntax Symposium*, Istanbul, June 12-15, (pp.1-12).
29. Van Nes, A., Yamu, C. (2018). *Space Syntax: A method to measure urban space related to social, economic and cognitive factors*, In C.Yamu., A. Poplin., O. Devisch., & G. de Roo(Ed). *The virtual and real in planning and urban design: Perspectives, Practices and Applications*. (vol 7, pp. 136-150). London: Routledge, Taylor and Francis group.
30. Osmand, H. (1957). Function as the basis of psychiatric ward design. *Psychiatric Services*, 8(4), 23-27.
31. Whyte, W. (1980). *Social Life of Small Space: Conservation Foundation*. Washington DC. Project for Public Space in 2001.
32. wiszniowski, D. (2008). "The Space of Communicativity": Levinas and Architecture. *Journal of Chinese Philosophy*, 35.
- معماری و شهرسازی آرمانشهر. ۱۰(۲۱)، ۲۴۷-۲۶۵.
۱۸. همدانی گلشن، حامد. (۱۳۹۴). بازاندیشی نظریه «نحو فضا»، رهیافتی در معماری و طراحی شهری؛ مطالعه موردی: خانه بروجردی ها، کاشان. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی. ۲۰(۲)، ۸۵-۹۲.
19. AL Sayed, K. (2014). *Space Syntax methodology*. Bartlett School of Architecture, UCL.
20. Barker, R.G. (1968). *Ecological Psychology: Concepts and Methods for Studying the Environment of Human Behavior*. Stanford: Stanford University Press.
21. Bettina, B. (2011). *Emmanuel Levinas, The Stanford Encyclopedia of philosophy*. San Francisco: Stanford University Press.
22. Dondis, D.A. (1973). *A Primer of Visual Literacy*. Cambridge, Mass., MIT Press.
23. Efroymson, D., Ha, T. T. K. T., & Ha, P. T. (2009). *Public Spaces: How They Humanize Cities*. Dhaka: HealthBridge - WBB Trust.
24. Lange, S.H. & Lange, E (2017). *Virtual Environments*, In A.van den. Brink., D.Bruns., H. Tobi., & S. Bell (Ed). *Research in Landscape Architecture, Method and Methodology*. (vol 10, pp. 161-178). London: Routledge, Taylor & Francis Group.
25. Lenard, K. & Lenard, S. (1998). *Urban design and public*

The Effect of "Type of Space Syntax" on "Socialization" of Social Centers from the Perspective of Levinas's "Face-to-Face" Moral Philosophy

*Aliasghar Malekafzali**, Assistant Professor, Department of Architecture and Urban Development, College of Arts and Architecture, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Nahid Amini Soudkolaei, M.A., Department of Architectural Engineering, College of Arts and Architecture, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

One of the problems of today is the separation of different social groups from one another and is disregard to ignore different social layers. Weakness that has the effect of increasing day-to-day living and reducing social life and communal ethics. The present study, using Levinas's philosophy that emphasizes one's face-to-face with another, offers a kind of ethical phenomenology. What sort of spatiality can Levinas's desired socialization in design a social center to meet?

The basis of ethics in Levinas's philosophy is the asymmetry of the moral relation between subjects and the prohibition of any moral debt. In a relationship asymmetry, not all matters are subject to the same principles and tasks. An infinite notion of the other is a model for the subject's right relationship with another and creates a countless sense of responsibility for him. Face-to-face with another human being is a rebirth and an unpredictable and transcendent experience for him. This face-to-face, if confronted visage-to-visage, which is inherently peaceful and friendly, leads to dialogue, to the teaching of reason, and to the community that Levinas is considering. Finally, general issues raised by Levinas's face-to-face thinking include intuitive perception, being evasive, and asymmetrically intersubjective. Attention to the relationships and interactions of different social groups is essential to understanding individual, social, and preternatural concerns and needs for growth and prosperity. The purpose of the research is to approach design qualities that incorporate them into social centers to enable interactions with daily life for a wider community. In this regard, the components of socialization as a dependent variable and the components of syntax as independent change are reviewed and based on Levinas's ethical perspective, three different scenarios of syntax components are designed in the virtual environment. Then, by formulating an observation and interviewing program based on the components of socialization, the data were collected at the sequential level from the group that navigated the virtual scenarios. They were analyzed by SPSS software using one-way ANOVA and Tukey tests. To construct scenarios, the syntax components include "relevance", "cohesion", "depth", "choice" and "control". The use of scenario building is based on the experience of Lange 3, which in its research for a possible future change of the current status of a pavement in a rural landscape, provides three scenarios of agriculture, recreation, and nature conservation as a virtual model and animates the participants. Finally, explored participants' viewpoints for their research on how to prepare and deliver simulations for stakeholder engagement. The results show that applying the formative qualities in Scenario 3, which has been attempted to be most consistent with Levinas's thought, can be efficient in enhancing the socialization of space. Scenario 1 also managed to gain some of the second ranks, but Scenario 2 is not recommended for sociable spaces. Thus, it turns out that a scenario in which the qualities of transactionality, complexity, and ease of use, disorder, and uncontrollability have been used, have greater potential for Levinas's desired socialization in social center designs.

Keywords: Space Syntax, Socialization, Community Center, Levinas.

* Corresponding Author Email: aamalekafzali@yahoo.com